

بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان تهرانی؛ مطالعه موردی شورای شهر تهران

سیمین حاجی پور ساردویی*

چکیده

انتخابات، تبلور مشارکت جمعی مردم در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی در یک حرکت مدنی مبتنی بر عقلانیت است و نتیجه آن، برآیند خواست‌ها و ارزش‌های یک ملت را نشان می‌دهد که در فرهنگ سیاسی آنان خودنمایی می‌کند؛ از این رو، این مقاله به دنبال مطالعه و بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان تهرانی با تأکید بر انتخابات شورای شهر تهران، است. با توجه به تغییر رفتار انتخاباتی مردم تهران در انتخابات اخیر، مقاله حاضر به دنبال

* (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، (s_binesh@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۴

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۶۱-۱۰۵

بررسی و پاسخ‌گویی به این پرسش است که «آیا این چرخش در رفتار و نگرش، محصول تغییر تدریجی و آگاهانه فرهنگ سیاسی شهروندان تهرانی در طول زمان است، یا برآیندی از یک حرکت جمعی، ناگهانی، کوتاه‌مدت و ناخودآگاه این تغییر را شکل داده است؟» تجزیه و تحلیل زندگی‌نامه ۷۹ عضو شورای شهر تهران در چهار دوره و مقایسه تطبیقی آن با ۶۰ نماینده حوزه انتخابیه تهران در دو دوره مجلس شورای اسلامی (نهم و دهم) نشان داد که رفتار رأی‌دهی شهروندان تهرانی، ناشی از یک تغییر تدریجی و آگاهانه در نگرش و فرهنگ سیاسی مردم تهران و براساس نظریه‌ها و دیدگاه‌های انتخاب عقلانی و دیدگاه شناختی است و انتظار می‌رود این روند در انتخابات پنجمین دوره شورای شهر تهران ادامه یافته و به برتری نسبی اصلاح‌طلبان بینجامد.

واژگان کلیدی: انتخابات، رفتار انتخاباتی، نظام رأی‌دهی، شورای اسلامی شهر و روستا، فرهنگ سیاسی

مقدمه

بررسی رفتار انتخاباتی در ایران از حوزه‌های نسبتاً جدید پژوهشی و از مقوله‌های بین‌رشته‌ای به‌شمار می‌آید. تحلیل درست رفتارهای انتخاباتی و پیش‌بینی میزان موفقیت افراد، گروه‌ها، و احزاب سیاسی در انتخابات به شناخت رویکردهای علمی علوم مختلف از جمله سیاست، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، و ارتباطات و همچنین بهره‌گیری مناسب از روش‌های آماری بستگی دارد. انتخابات، پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی است که درنهایت، برون‌دادی سیاسی دارد و به همین دلیل، می‌تواند موضوع مناسبی برای تعمق و تأمل اهل اندیشه باشد. بی‌تردید آنچه از صندوق‌های رأی بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی یک جامعه است و می‌تواند شاخص تحلیل‌های فراوانی قرار گیرد (مور^۱، ۱۳۸۵).

در ایران نیز انتخابات به‌عنوان یک حرکت جمعی مدنی مبتنی بر عقلانیت در دوره‌های مختلف به‌منظور تعیین برآیند خواست‌ها و ارزش‌های ملت، برای چهار نهاد ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، و شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار می‌شود. براساس تصمیم‌گیری، انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان به‌طور هم‌زمان و انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز در یک روز برگزار می‌شود.

شورا به‌عنوان فراگیرترین و گسترده‌ترین نهاد مدنی، پاسخ به یک نیاز اجتماعی است که در قالب بستری مناسب و با مشارکت مردمی تجلی می‌یابد تا در بخش‌های گوناگون تصمیم‌گیری، نظارتی، و مدیریت شهری، نقش‌آفرینی کند.

شورای شهر، مجلسی محلی در سطح شهرها و روستاها است که تلاش می‌کند با بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران، کاستی‌ها و شکاف‌های مدیریتی موجود را پوشش دهد، تصدی‌گری دولت را به مردم منتقل کند، سیاست عدم تمرکز را که از اصول دموکراسی است به‌اجرا بگذارد، به جریان کارها و انجام امور مردم سرعت ببخشد، نظارت اجتماعی را بهبود دهد تا به آگاهی‌بخشی عمومی برسد و درنهایت، به نیروسازی و رشد استعدادهای مردمی بپردازد. بر همین اساس، در اصول ششم و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع شوراهای پرداخته شده است. مردم هر شهری، نمایندگان شوراهای آن شهر را انتخاب می‌کنند و وظیفه اصلی این مجلس، انتخاب شهردار، تصویب بودجه، و نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها است.

انتخاب دوره‌ای اعضای شوراهای شهر و روستا به فرایند تثبیت جایگاه مردمی نظام، کمک بسزایی می‌کند. از آنجاکه اعضای شورای شهر، قاعدتاً از درون مردم هستند، آشنایی تقریباً کاملی با مشکلات شهر و روستای خود دارند و به همین سبب بهتر از اشخاصی که با محیط بیگانه هستند، می‌توانند تصمیم‌گیری کنند.

در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ انتخابات چهارمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، هم‌زمان با یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. نتایج این انتخابات، حاکی از تغییر عمده در نگرش و فرهنگ سیاسی مردم بود و با نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری که در همان تاریخ برگزار شده بود، همخوانی و هماهنگی داشت.

طیف اصلاح‌طلبان، با وجود ارائه نکردن برنامه دقیق، مشخص و جذابی توانست خود را، پس از دو دوره، از رکود حضور در شورای شهر تهران خارج کرده و با کسب ۴۵/۲ درصد از آرای مردم شهر تهران، چشم‌انداز چرخش سیاسی در تاریخ معاصر ایران را بازتاب دهد و ظهور و بروز عصر جدیدی در عرصه سیاست حزبی ایران را به‌نمایش بگذارد.

این چرخش نگرش و فرهنگ سیاسی در شهروندان تهرانی، پرسش‌هایی را در ذهن برمی‌انگیزد؛ «آیا این چرخش، محصول تمایز و تغییر تدریجی فرهنگ سیاسی شهروندان تهرانی در طول زمان و به‌گونه‌ای آگاهانه است یا برآیندی از یک حرکت جمعی، ناگهانی، کوتاه‌مدت و ناخودآگاه است؟»

این مقاله ابتدا به بررسی موضوع نمایندگی می‌پردازد و سپس برای دستیابی به یک چشم‌انداز کلی در مورد شورای شهر تهران و نمایندگان استان تهران در مجلس شورای اسلامی، شواهد تجربی و آماری ارائه می‌دهد.

پژوهش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده، پس از بررسی موضوع نمایندگی، ترکیب شورای شهر تهران (چهار دوره) را از نظر سن، جنس، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، پیشینه شغلی، و سابقه حضور و عضویت در احزاب سیاسی بررسی کرده است تا به چشم‌اندازی کلی از این شورا دست یابد؛ سپس نتایج این بررسی درباره نمایندگان مردم تهران در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰) را با یافته‌های چهارمین دوره شورای شهر تهران (۱۳۹۲) مقایسه کرده است تا به خط سیر فکری مردم تهران پی ببرد. در پایان، براساس نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه ویژگی‌های نمایندگان دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و مسیر حرکت مردم تهران، نتایج احتمالی پنجمین دوره شورای شهر تهران را پیش‌بینی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود را نمی‌توان به راحتی به یک حرکت احساسی، زودگذر، و ناخودآگاه نسبت داد، بلکه این تغییر تدریجی نشان می‌دهد که تغییراتی در فرهنگ سیاسی مردم پایتخت ایجاد شده که آن‌ها را به سمت ایجاد تغییراتی در پایگاه سیاسی طبقه حاکم هدایت کرده است.

۱. بررسی ابعاد مختلف موضوع نمایندگی

موضوع نمایندگی، معمای پیچیده دموکراسی است. چگونه فرد یا افرادی می‌توانند علائق و آرزوهای دیگران را نمایندگی کنند؟ یکی از روش‌های بررسی این موضوع، مطالعه نقشی است که نمایندگان ایفا می‌کنند. فرایند نمایندگی بر «شفافیت»^۱ (اینکه نمایندگان به چه کسی پاسخ‌گو^۲ هستند) و «مسئولیت»^۳ (در برابر رأی‌دهندگان، حزب، یا وجدان خود) تمرکز دارد. نمایندگی را می‌توان «سیاست

1. Transparency
2. Accountability
3. Responsibility

حضور پارلمانی^۱» (سائر و زاپالا^۲، ۲۰۰۱: ۲۸۰) امید که بیانگر رابطه و پیوستگی شخصی نمایندگان با رأی‌دهندگان است.

بررسی نظام‌مند ادبیات نمایندگی و ارتباط آن با دموکراسی، خارج از حیطه و گستره پژوهش حاضر است، اما پژوهشگران و اندیشمندانی مانند جینش^۳ (۱۹۸۷: ۵۳-۶؛ ۱۹۹۷: ۱۲۳)، مک‌آلیستر^۴ (۱۹۹۲: ۲۰۱؛ ۲۵۱-۲۵۰)، نوریس^۵ (۱۹۹۷: ۶، ۲۳۰)، سائر (۲۰۰۱: ۵۷-۵۸) و زاپالا (۱۹۹۷: ۵) که به بررسی موضوع نمایندگی و تنوع پارلمانی در بافت‌ها و بسترهای تجربی مختلف پرداخته‌اند، درباره ترکیب بدنه نمایندگی، دو رویکرد را مطرح کرده‌اند. از یک سو، آن‌ها با این ایده که نمایندگان باید «آینه» تمام‌نمای جامعه باشند، مخالفت کرده‌اند و این ایده را کاملاً غیرعملی و درنهایت، نامطلوب ارزیابی کرده‌اند، به گونه‌ای که به عنوان مثال، جینش (۱۹۸۷: ۵۵) بر این نظر است که نظام سهمیه‌بندی که برای دستیابی به نمایندگی آینه‌ای به کار می‌رود، اصول انتخابات آزاد، عادلانه و بر پایه دموکراسی را خدشه‌دار می‌کند. به علاوه، مک‌آلیستر (۱۹۹۲: ۲۳۲) سیاستمداران را صرف‌نظر از شخصیت فردی، به عنوان نخبگان سیاسی‌ای مطرح می‌کند که احتمالاً «قوانین بازی» را می‌دانند و پذیرفته‌اند. کروگر^۶ (۱۹۹۳) نیز به این نتیجه رسیده است که احتمال موفقیت کاندیداهای باتجربه سیاسی، بیشتر است. بی‌تردید این تجربه سیاسی، آن‌ها را از کسانی که نمایندگی می‌کنند، متمایز می‌سازد به گونه‌ای که آن‌ها نمی‌توانند «آینه‌ای» از جامعه خود باشند.

از سوی دیگر، نمایندگی آینه‌ای از سه جنبه دارای اهمیت است. نخست اینکه، نوریس (۱۹۹۷: ۲۳۰)، زاپالا (۱۹۹۷: ۵) و برخی دیگر از اندیشمندان بر این نظر

1. Parliamentary Politics of Presence
2. Sawyer and Zapalla
3. Jaensch
4. McAllister
5. Norris
6. Rules of the Game
7. Kroger

هستند که پارلمانی که به‌طور گسترده، بازتابی از جامعه خود باشد، از مشروعیت^۱ بیشتری برخوردار است. در این مورد برت (۱۹۸۹: ۲۸) می‌نویسد:

مردم به کاندیداهایی توجه می‌کنند که به طریقی برای آن‌ها شناخته‌شده باشند، از برخی جنبه‌ها آن‌ها را مشابه خود ببینند، به ارزش‌ها و تجربه‌هایی اهمیت بدهند که با ارزش‌ها و تجربه‌های آن‌ها مشابهت داشته باشد.

علاوه بر این، از دیدگاه مک آلیستر (۱۹۹۲: ۲۰۱)، به‌کارگیری آزادانهٔ نخبگان سیاسی، کمک مهم و بزرگی به ثبات سیاسی^۲ کشور است، زیرا ایجاد یک فرصت نامحدود برای ورود افراد به پارلمان، نشانه‌ای از تحرک و پویایی جامعه است (۱۹۹۲: ۲۰۴). از نگاه جایاسوریا (۱۹۹۱: ۲۵) مشارکت کامل سیاسی، پیش‌درآمدی ضروری برای دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی^۳ است. جینش (۱۹۸۷: ۵۵) در یک سطح عملیاتی‌تر، مطرح می‌کند که اگر اعضای پارلمان، ویژگی‌های مشترکی با رأی‌دهندگان داشته باشند، می‌توانند به‌طور مؤثرتری با آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

با توجه به اهمیت موضوع نمایندگی، بررسی تنوع نمایندگی نیز مفید و سودمند است. کاملاً واضح و آشکار است که پارلمان ایران به‌گونه‌ای بی‌تناسب، مردسالار، میانسال، و دارای تحصیلات دکترا است. اما در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، تغییراتی از منظر جنسیت (هرچند محدود و کم‌اهمیت) و گرایش سیاسی نمایندگان رخ داد؛ به‌عنوان مثال، تعداد نمایندگان زن در استان تهران از ۴ نفر در نهمین دوره مجلس، به ۸ نفر در دهمین دوره مجلس افزایش یافت.

آیا این ویژگی‌ها در انتخابات شورای شهر تهران نیز بازتاب یافته و یا خواهد داشت؟ برخی اندیشمندان مانند مک آلیستر (۱۹۹۲: ۲۱۲) بر این نظرند که پیوند و ارتباط کمی‌ای میان اعضای پارلمان ملی و پارلمان شهری وجود دارد و این دو دنیا، دو مسیر شغلی کاملاً متفاوت را فراهم می‌کنند که به مهارت‌ها و شبکه‌های سیاسی متفاوتی نیاز دارد. به‌این ترتیب، ما انتظار داریم میان اعضای مجلس و اعضای شورا تفاوت‌های بسیار و عمده‌ای ببینیم.

1. Legitimacy
2. Political Stability
3. Economic and Social Rights

در حال حاضر، تهران با جمعیت بیش از ۱۱ میلیون نفر و به عنوان مرکز سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی کشور و با تنوع کالبدی و اجتماعی، نقش مهمی در تحولات کلان کشور و هدایت جریان‌های سیاسی دارد؛ از این رو، تحلیل چهار دوره شورای شهر تهران و مقایسه چهارمین دوره آن با نتایج نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تهران، تصویری جامع و دقیق از روند تغییر نگاه و نگرش مردم در نقش رأی‌دهندگی فراهم می‌کند که با استناد به نتایج آن و یافته‌های به دست آمده از بررسی دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، می‌توان ترکیب احتمالی نیروهایی را که به پنجمین دوره شورای شهر تهران راه خواهند یافت، مشخص کرد.

به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، پروفایل شخصی ۷۹ فرد راه‌یافته به چهار دوره شورای شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۷۸ و ۶۰ نماینده مردم تهران در نهمین و دهمین دوره مجلس شورای اسلامی ایران بررسی شد تا به ترکیب شوراهای شهر تهران و این دو دوره از مجلس از منظر سن، جنس، مدرک تحصیلی، پیشینه حرفه‌ای و... دست یابیم و براساس این ترکیب، بتوانیم ترکیب پنجمین دوره شورای شهر تهران را پیش‌بینی کنیم.

۲. چارچوب نظری پژوهش

انتخابات و رأی دادن، شکل مشروعی از «رفتار سیاسی»^۱ است. مارشال (۱۹۹۸: ۵۰۱) رفتار سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: «به هر شکل مشارکت فردی یا جمعی در جریان‌های سیاسی یا هر فعالیتی که برای حکومت و سیاست‌گذاری، پیامدهای سیاسی دارد، رفتار سیاسی اطلاق می‌شود». در فرایند انتخابات، گروه‌های اجتماعی فراوانی توان خود را برای جلب مشارکت شهروندان و تصاحب جایگاه‌های سیاسی به نمایش می‌گذارند. جدی تلقی کردن انتخابات و مشارکت در آن، نشانه این است که نیروهای اجتماعی، راهبرد شرکت در ساخت قدرت را به جای مقابله، اعمال نفوذ، و انفعال سیاسی برگزیده‌اند (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۳).

مطالعه و بررسی شرایط حاکم بر فضای انتخابات، شرایط افزایش میزان

مشارکت در انتخابات، عوامل تشویق شهروندان به رأی‌دهی، و سنجش گرایش‌ها و تمایلات سیاسی و اجتماعی و چگونگی تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان، از موضوعات مورد مطالعه در جامعه‌شناسی سیاسی است که در حوزه رفتار سیاسی با عنوان «رفتار رأی‌دهندگان»^۱ و «رأی‌شناسی» به صورت تخصصی بررسی و مطالعه می‌شود (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۶۵). دیدگاه‌ها و نظریه‌های رفتار رأی‌دهی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. در دسته نخست، نظریه‌هایی قرار می‌گیرند که در جست‌وجوی تعیین میزان مشارکت مردم بر پایه پاسخ به این پرسش هستند که «آیا مردم، رأی می‌دهند؟» اما دسته دوم، در پی بررسی این موضوع است که «افراد مشارکت‌کننده در انتخابات، به چه افراد یا گروه‌های سیاسی‌ای رأی می‌دهند».

دیدگاه مرتون^۲ در دسته نخست قرار می‌گیرد که با استفاده از رویکرد کارکردگرایی^۳ به تحلیل رفتار انتخاباتی از منظر جامعه‌شناختی می‌پردازد. از نظر مرتون، مشارکت سیاسی انتخاباتی، کارکردهای آشکار و پنهان و پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای برای جامعه دارد که از سه جنبه انتخاب‌شوندگان، انتخاب‌کنندگان، و برگزارکنندگان باید بررسی شود.

دیدگاه مبادله^۴ که رفتار انتخاباتی را با استفاده از رویکرد فایده‌گرایی^۵ تحلیل می‌کند، بر این اصل استوار است که سودی که فرد انتظار دارد از مبادله‌ای به دست آورد، انگیزه او را برای مبادله شکل می‌دهد. او در پی کسب منفعتی با کمترین هزینه است (ترنر^۶، ۱۳۷۸: ۵۶).

در مقابل، دیدگاه‌ها و رویکردهای الگوی اقتصاد سیاسی، در دسته دوم قرار می‌گیرند. در الگوی اقتصاد سیاسی، نخست می‌توان به دیدگاه انتخاب عقلانی^۷ اشاره کرد. براساس دیدگاه انتخاب عقلانی، که بر «منافع» تمرکز دارد، مردم کسانی

1. Voting Behavior
2. Merton
3. Functionalism
4. Exchange Theory
5. Utilitarianism
6. Torner
7. Rational Choice

را انتخاب می‌کنند که بیشترین منافع را برای آنان ایجاد کنند. این دیدگاه، چهار نوع منفعت را مطرح می‌کند: منافع اقتصادی، منافع فرهنگی، منافع سیاسی، و تجلی خواست خود به شیوه‌ای دموکراتیک در ساختار قدرت. در این دیدگاه، برداشت‌های مردم از منافع خود و کاندیدایی که مدعی تحقق آن‌ها است، بر ارزیابی شهروندان از عملکرد گذشته کاندیدا و عملکرد شخصی و حزبی او استوار است و براساس تلفیقی میان تحقق منافع و ابراز خود^۱ به وجود می‌آید. داونز^۲ بر این نظر است که در جایی که مردم نتوانند منافع خود، دیدگاه‌های احزاب سیاسی و یا هر دو را تشخیص دهند یا نتوانند منافع خود را با دیدگاه‌های احزاب سیاسی تطبیق دهند، از توجیه‌های ایدئولوژیک استفاده می‌کنند.

دیدگاه دیگر، دیدگاه انتخاب عقلانی اصلاح شده است. براساس این دیدگاه، رأی دادن برای تحقق منافع شخصی و بیان قدرت خود در تأثیرگذاری بر سرنوشت فرد و جامعه است و اگر فرد، در عرصه سیاسی و اجتماعی، احساس بی‌قدرتی کند، اقدامی برای رأی‌دهی انجام نمی‌دهد. این دیدگاه از سوی دیوید/سنو^۳ و دستیارانش مطرح شده است و درمجموع، براساس این دیدگاه، هرچقدر افراد در زندگی شخصی خود به توان شناختی، اقتصادی، و فرهنگی بیشتری دست یابند و هم‌زمان احساس تأثیرگذاری آنان در عرصه اجتماعی و سیاسی کاهش یابد، میزان بیگانگی شدن از مشارکت، افزایش می‌یابد (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۵).

اما لازارسفلد^۴ بر این نظر است که رأی‌دهی، کنشی مانند خریدن کالا است. انگیزه‌هایی در فرد وجود دارد، این انگیزه‌ها تحت تأثیر تبلیغات کاندیداها تغییر می‌کند و درنهایت، فرد براساس برآیند محرک‌ها در فرایند انتخابات، رأی می‌دهد. لازارسفلد فرایند رأی‌دهی را بسیار کوتاه‌مدت و به دور از انباشت تجربه سیاسی افراد تحلیل می‌کند و تبلیغات را عامل تأثیرگذاری بر رفتار رأی‌دهی می‌داند.

1. Self-Expression
2. Downs
3. David Snow
4. Lazarsfeld

مکتب شیکاگو^۱ در الگوی روان‌شناسی سیاسی بر درک و اندازه‌گیری نگرش‌های سیاسی تأکید دارد و برای درک نگرش‌ها نیز با توجه به ادراک‌ها و تجربه‌های گذشته، انگیزه‌های کلی کنشگر سیاسی، وابستگی‌های حزبی، نظرات کاندیداها و نیازهای درونی فرد، تجربه شرکت در انتخابات پیشین، احساسی که از نتیجه این مشارکت‌ها به دست آمده و ارزیابی نگرشی درباره نظام سیاسی، عملکرد و نخبگان آن، رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان را تعیین می‌کند.

دیدگاه دیگر در رویکرد روان‌شناسی سیاسی، دیدگاه شناختی^۲ است. این دیدگاه، بر شناخت فرد از محیط پیرامون خود تأکید دارد. بر این اساس، در طول زمان در هر کنشگر، یک برداشت ایدئولوژیک شکل می‌گیرد که به آن طرح‌واره^۳ می‌گویند. طرح‌واره‌ها، اغلب بر مبنای تجربه‌های گذشته مردم از نظام سیاسی و عناصر آن ساخته می‌شوند و یک رخداد تاریخی، موجودیت سیاسی موفق و به یادماندنی، و حتی یک اسطوره سیاسی می‌تواند معیاری برای سنجش طرح‌واره باشد. این طرح‌واره‌ها، شناخت فرد و در نتیجه رفتار انتخاباتی او را شکل می‌دهند (شکتر^۴، ۱۳۸۹: ۷۲۶-۶۸۳).

از نظر/ینگله‌هارت^۵، رفتار رأی‌دهی افراد بر مبنای جایگاه آن‌ها در سلسله‌مراتب نیازها تعیین می‌شود؛ به گونه‌ای که افراد و اقشار مرفه‌تر به گروه‌های سیاسی دارای اهداف فرهنگی و گروه‌های کم‌درآمد به گروه‌هایی با اهداف اقتصادی رأی می‌دهند. بنابراین، براساس این رویکردها و دیدگاه‌ها، رفتار انتخاباتی یک جامعه از عوامل زیر تأثیر می‌پذیرد:

۱. محاسبه منافع؛
۲. آگاهی سیاسی؛
۳. تبلیغات نامزدها و گروه‌های سیاسی؛

-
1. Chicago School of Thought
 2. Cognitive Approach
 3. Schema
 4. Schacter
 5. Inglehart

۴. ابراز خود و احساس کارآمدی؛

۵. تجربه‌های سیاسی گذشته؛

۶. ویژگی‌های فردی؛

۷. طرح‌واره؛

۸. پایگاه اقتصادی و اجتماعی.

توجه به این نکته ضروری است که هیچ‌یک از این رویکردها به‌تنهایی قادر به تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان ایرانی نیست و باید با تلفیق این دیدگاه‌ها به تصویر کلی رفتار انتخاباتی آنان دست یافت.

اعضای شورای شهر نیز براساس یک «نظام رأی‌دهی» انتخاب می‌شوند. نظام رأی‌دهی، ابزاری برای انتخاب میان تعدادی گزینه است. در انتخابات شورای شهر، تعدادی نامزد حضور دارند که برای دستیابی به جایگاه عضویت در این شورا با یکدیگر رقابت می‌کنند و تعداد مشخصی از آنها باید انتخاب شوند. برندگان این رقابت کسانی هستند که بالاترین میزان آرا را به خود اختصاص داده باشند؛ بنابراین، نظام انتخابات در ایران براساس قاعده اکثریت بنا شده است. در نظام انتخاباتی اکثریتی، کاندیداهایی پیروز میدان هستند که بیشترین رأی را به‌دست آورند.

۳. تاریخچه شورای اسلامی شهر تهران^۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نخستین مجلس خبرگان برای تدوین قانون اساسی، با تلاش پیگیر آیت‌الله طالقانی، موضوع شوراهای اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل ششم، هفتم و اصول یکصد و یکصدوششم قانون اساسی، مطرح و تثبیت شد.

در همان روزهای نخست انقلاب اسلامی و پیرو یک مصوبه از سوی شورای انقلاب و با تلاش جهاد سازندگی، شوراهای اسلامی روستا و شوراهای اسلامی کار تشکیل شدند، اما این شوراها به‌دلیل بحران‌های روزهای آغازین انقلاب و نبودن قانون مناسب، متوقف ماندند.

درواقع می‌توان گفت، نخستین قانون شوراهای اسلامی کشور در سال ۱۳۶۱

به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. پس از آن، این قانون در ۵ نوبت، مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت، آخرین اصلاح آن در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ انجام شد.

پس از تشکیل دولت اصلاحات، مقدمه‌های انتخابات شوراهای اسلامی فراهم و در ۱۷ اسفند سال ۱۳۷۷ نخستین دوره انتخابات سراسری شوراهای اسلامی کشور با استقبال چشمگیر مردم در بیش از ۴۰ هزار حوزه انتخاباتی برگزار شد و در نهایت، حدود ۲۰۰ هزار نفر، برای اداره امور شهرها و روستاهای کشور به‌عنوان عضو شورای اسلامی شهر یا روستا برگزیده شدند. شوراهای اسلامی از ۹ اردیبهشت سال ۱۳۷۸ در سراسر کشور آغاز به کار کردند.

عمر قانونی هر دوره شورا، ۴ سال است، ولی در پی تصویب قانونی در مجلس، تصمیم گرفته شد که انتخابات خبرگان هم‌زمان با انتخابات مجلس و انتخابات شوراهای هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود؛ از این رو، عمر شوراهای سوم، ۷ سال به‌درازا کشید. تاکنون چهار دوره انتخابات شوراهای سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ برگزار شده است و انتخابات پنجمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۹۶، هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهد شد.

نخستین دوره انتخابات شورای شهر (۱۳۸۰-۱۳۷۸)، در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۷۷ و در بستر فضای سیاسی برآمده از روی کار آمدن دولت اصلاحات برگزار شد. در این انتخابات، حدود ۲۴ میلیون نفر شرکت کردند. براساس نتایج به‌دست‌آمده در تهران، از یک میلیون و ۴۸۰ هزار و ۲۷۵ رأی اخذ شده، یک میلیون و ۴۰۳ هزار و ۳۸۹ رأی، صحیح اعلام شد.

در این انتخابات، «کارگزاران» با پیشینه‌ای که از محاکمه غلامحسین کرباسچی به‌جای مانده بود، وارد انتخابات شورا شد، جناح منتقد دولت نیز با شعار «شهر سبز برای خود» در انتخابات شرکت کرد و اصلاح‌طلبان هم -که قوه مجریه را در دست داشتند- برخی از شاخص‌ترین چهره‌های خود را برای حضور در نخستین دوره انتخابات شوراها بسیج کردند.

عبداله نوری، وزیر کشور دولت خاتمی -که مجلس پنجم او را استیضاح کرده

بود. سعید حجاریان، مغز متفکر جریان اصلاحات، محمد عطریانفر، از چهره‌های مؤسس کارگزاران و علیرزاده طباطبایی، از چهره‌های شاخصی بودند که وارد این انتخابات شدند.

درنهایت، نتیجه انتخابات، به نفع جبهه تازه‌تأسیس «مشارکت» بود و از ۱۵ عضو شورای اول، ۱۳ عضو آن گرایش چپ داشتند. ابراهیم اصغرزاده، محمدرضا جالایی‌پور، محمدحسین حقیقی، احمد حکیمی‌پور، رحمت‌اله خسروی، محمدحسین درودیان، عباس دوزدوزانی، جمیله کدیور، مرتضی لطفی، صدیقه وسمقی و امیر عابدینی، از جمله چهره‌های تشکیل‌دهنده این شورا بودند. به جز محمد غرضی و غلامرضا فروزش، بقیه چهره‌ها، گرایش چپ داشتند و شورایی تقریباً یکدست تشکیل شده بود، اما این یکدستی، دیری نپایید و اختلافات درون‌گروهی آغاز شد؛ به گونه‌ای که این شورا، چهار رئیس و سه شهردار عوض کرد و درنهایت، منحل شد.

با آغاز انتخابات مجلس ششم، عبدالله نوری، جمیله کدیور و محمد غرضی استعفا دادند و به سمت انتخابات مجلس رفتند. از این سه چهره، تنها کدیور به مجلس راه یافت، نوری به زندان رفت و غرضی رأی نیاورد. پس از کناره‌گیری عبدالله نوری، عباس دوزدوزانی از چهره‌های چپ سنتی، ریاست شورا را برعهده گرفت. انتقادهای او از بی‌توجهی اعضای شورا به جلسه‌های شورا و مشغول بودن آن‌ها در سازمان‌های دیگر، درنهایت، طیفی را در مقابل وی قرار داد و دوزدوزانی استعفا داد، اما شورای اول، استعفای او را بررسی نکرد و درنتیجه دوزدوزانی در جلسه‌های شورا نه به‌عنوان عضو، بلکه به‌عنوان یک تماشاگر حضور پیدا می‌کرد. پس از دوزدوزانی، رحمت‌اله خسروی، رئیس شورا شد که دوران ریاست او هم‌زمان با آغاز مخالفت‌های اصغرزاده با الویری بود.

مرتضی الویری از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۹، نخستین شهردار منتخب شورای اول بود. اما ابراهیم اصغرزاده با اینکه ریاست شورا را برعهده نداشت، به‌عنوان یکی از مهره‌های اثرگذار شورا شروع به مخالفت با الویری کرد. درنهایت، اتهام او به الویری مبنی بر اعطای غیرقانونی کاربری مسکونی به باغ‌های شمال تهران، شورا را بر آن داشت که الویری

را استیضاح کند. انتخاب محمد ملک مدنی به عنوان شهردار بعدی تهران، نتیجه جلسه های مشترک محمد عطریان فر و سعید حجاریان بود. در آن دوره، عطریان فر چهارمین رئیس شورای اول شده بود و آغاز درگیری ها و اختلافات عطریان فر با اصغرزاده، جلسه های شورا را دوپاره کرده بود. ازیک سو، اصغرزاده که اکنون نایب رئیس شورا شده بود، جلسه هایی را بدون حضور مخالفان برگزار می کرد که حدنصاب لازم را نداشت و از سوی دیگر، عطریان فر جلسه های دیگر شورا را بدون اطلاع گروه شش نفره اصغرزاده هدایت می کرد. تلاش وزارت کشور برای حل درگیری های درونی شورا به نتیجه نرسید و در شرایطی که شورای شهر تهران به انحلال نزدیک می شد، مقیمی به عنوان شهردار بعدی تهران انتخاب شد. در نهایت، به نظر می رسد منافع جناحی حاکم بر فضای شورای شهری، سبب انحلال این شورا و تخریب چهره اصلاحات شد.

دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا (۱۳۸۶-۱۳۸۲)، در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۸۱ برگزار شد. مشارکت در این دوره انتخابات، پایین بود. در تهران، ۵۶۲ هزار و ۵۲۲ نفر در انتخابات شورای شهر شرکت کردند که کمی بیش از یک سوم مشارکت در دوره گذشته بود. از این تعداد، ۵۲۶ هزار و ۹۷۲ رأی، صحیح اعلام شد.

سومین دوره انتخابات شورای شهر و روستا (۱۳۹۲-۱۳۸۶) در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۵ برگزار شد. در این انتخابات، یک میلیون و ۶۵۶ هزار و ۵۵۸ نفر در تهران شرکت کردند که تقریباً سه برابر مشارکت در دوره دوم بود. در این دوره از انتخابات، ۶ فهرست انتخاباتی متفاوت از نامزدهای انتخاباتی مطرح شد که عبارت بودند از:

- حامیان شهردار (ائتلاف اصول گرایان اصلاح طلب)؛
- بزرگ اصلاح طلبان: ائتلاف حزب اعتماد ملی و اصلاح طلبان؛
- حامیان دولت (ائتلاف رایحه خوش خدمت)؛
- جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری؛
- ائتلاف یاران فردا؛
- ائتلاف شهر فردا.

سه ائتلاف انتخاباتی آخر، عمدتاً، ترکیبی از نامزدهای سه ائتلاف انتخاباتی نخست بودند.

چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا (۱۳۹۶-۱۳۹۲) هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد. عمر قانونی هر دوره شورا، ۴ سال است، ولی در پی تصویب قانونی در مجلس، تصمیم گرفته شد که انتخابات خبرگان هم‌زمان با انتخابات مجلس و انتخابات شوراهای هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود. به‌این‌ترتیب، عمر شوراهای سوم، ۷ سال به‌درازا کشید. شروع به‌کار دوره چهارم شوراهای اسلامی، یک ماه پس از آغاز دوره ریاست‌جمهوری یازدهم بود.

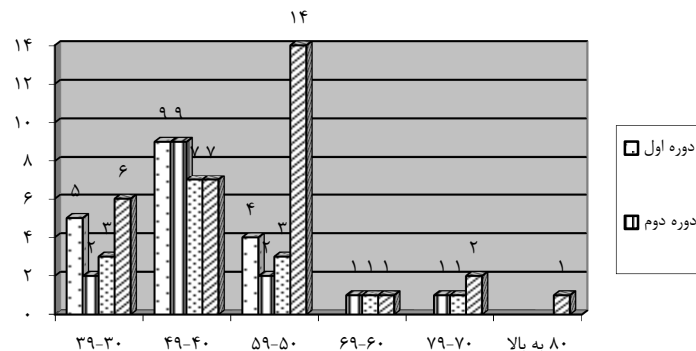
در شورای شهر چهارم تهران، به‌دلیل انتخاب و عضویت هم‌زمان محمدمهدی مفتاح (عضو اصلی شورا) در مجلس شورای اسلامی، مسعود سلطانی‌فر، نخستین عضو علی‌البدل جایگزین وی شد. همچنین با استعفای مهدی حجت (عضو اصلی) از شورای شهر به‌دلیل انتصاب به‌عنوان معاون ریاست میراث فرهنگی، ولی‌اله شجاع‌پوریان، عضو دوم علی‌البدل، جایگزین وی شد. البته، پس از انتصاب مسعود سلطانی‌فر به‌عنوان رئیس سازمان میراث فرهنگی، وی نیز از شورای شهر تهران استعفا داد و علی صابری جایگزین او شد.

۴. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر گروه سنی

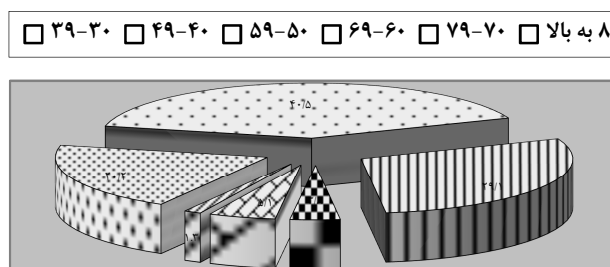
جدول شماره (۱). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب گروه سنی به تفکیک دوره

گروه سنی	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		جمع کل	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
۳۰-۳۹	۵	۲۷/۸	۲	۱۳/۳	۳	۲۰	۶	۱۹/۴	۱۶	۲۰/۲
۴۰-۴۹	۹	۵۰	۹	۶۰	۷	۴۶/۶	۷	۲۲/۶	۳۲	۴۰/۵
۵۰-۵۹	۴	۲۲/۲	۲	۱۳/۳	۳	۲۰	۱۴	۴۵/۲	۲۳	۲۹/۱
۶۰-۶۹	-	-	۱	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۳/۲	۳	۳/۸
۷۰-۷۹	-	-	۱	۶/۷	۱	۶/۷	۲	۶/۴	۴	۵/۱
۸۰ و بالاتر	-	-	-	-	-	-	۱	۳/۲	۱	۱/۳
جمع کل	۱۸	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۷۹	۱۰۰

نمودار شماره (۱). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب گروه سنی به تفکیک دوره



نمودار شماره (۲). توزیع کل اعضای چهار دوره شورای شهر تهران برحسب گروه سنی



با توجه به داده‌های جدول شماره (۱) و نمودار مربوط به آن، نتایج زیر به‌دست آمده است:

الف- بیشترین تعداد (مد یا نما) افراد در نخستین، دومین و سومین دوره شورای شهر تهران در گروه سنی ۴۹-۴۰ سال قرار دارد. این درحالی است که در چهارمین دوره شورای شهر تهران، اکثر افراد راه‌یافته به شورا در گروه سنی ۵۹-۵۰ سال قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، تفاوت «نما» از نخستین دوره شورا تا چهارمین دوره (یعنی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲) ده سال است.

ب- گروه سنی ۵۹-۵۰ سال طی چهار دوره شورای شهر تهران به‌شدت افزایش یافته است، به گونه‌ای که از ۴، ۲ و ۳ نفر در نخستین، دومین، و سومین دوره شورای شهر، ناگهان به ۱۴ نفر در چهارمین دوره رسیده است.

ج- تعداد افراد راه‌یافته به شورای شهر تهران که در گروه‌های سنی بیش از ۶۰

سال قرار داشتند، بسیار پایین بوده است و در گروه سنی ۸۰ و بالاتر، تنها یک نفر (عباس شیبانی) به شورای شهر تهران راه یافته که دارای پیشینه حضور در سه دوره شورای شهر بوده است. این امر به معنای نیاز شهر تهران به پویایی و تحرک نیروهای جوان است. گروه‌های سنی بالاتر از ۶۰ سال به دلیل کاهش قوای جسمانی در مقایسه با میانسالان در انجام وظایف خود از توانایی و قدرت جسمانی کمتری برخوردارند.

د- مسن‌ترین فرد راه‌یافته به شورای شهر تهران، عباس شیبانی با ۸۱ سال سن در چهارمین دوره شورای شهر تهران و جوان‌ترین فرد راه‌یافته، علیرضا دبیر با ۳۰ سال سن در سومین دوره شورای شهر تهران هستند.

ه- نمودارهای شماره (۱) و (۲) نشان می‌دهد که افرادی که در دهه ۱۳۸۰ در گروه سنی ۴۰-۴۹ سال قرار داشتند، با یک گردش ده‌ساله در دهه ۱۳۹۰ و ورود به گروه سنی ۵۰-۵۹ سال، کماکان بیشترین رده سنی راه‌یافته به شوراهای را در اختیار دارند و این افراد، کسانی هستند که در اوایل انقلاب، شهرت لازم را کسب کرده‌اند. و- در نخستین دوره شورای شهر تهران، گروه‌های سنی ۶۰ سال به بالا حضور نداشتند. جوان‌ترین شورای شهر تهران، نخستین دوره این شورا بوده است.

مقایسه توزیع اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان مردم تهران در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از منظر گروه سنی و دستیابی به شباهت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران، براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۲). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب گروه سنی و پیش‌بینی گروه سنی اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران

گروه سنی	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورا		دهمین دوره مجلس		پیش‌بینی پنجمین دوره شورا	
	N	%	N	%	N	%	N	%
۳۰-۳۹	۱	۳/۳	۶	۱۹/۴	۱	۳/۳	۱	۶/۷
۴۰-۴۹	۶	۲۰	۷	۲۲/۶	۷	۲۳/۴	۳	۲۰
۵۰-۵۹	۱۹	۶۳/۴	۱۴	۴۵/۲	۱۵	۵۰	۸	۵۳/۳
۶۰-۶۹	۳	۱۰	۱	۳/۲	۴	۱۳/۳	۲	۱۳/۳
۷۰-۷۹	۱	۳/۳	۲	۶/۴	۳	۱۰	۱	۶/۷
۸۰ و بالاتر	-	-	۱	۳/۲	-	-	-	-
جمع کل	۳۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵	۱۰۰

نمودار شماره (۳). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب گروه سنی و پیش‌بینی گروه سنی اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران



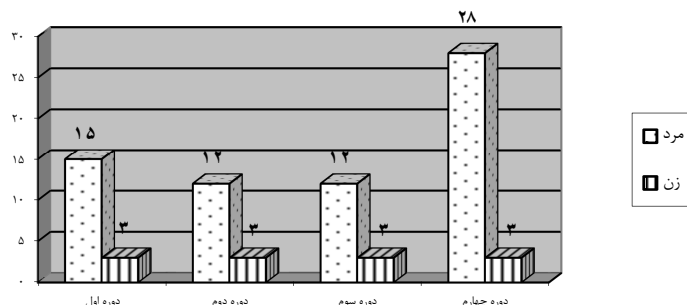
جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که مردم شهر تهران در هر دو انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و چهارمین دوره شورای شهر تهران، توجه حداکثری به گروه سنی ۵۰-۵۹ سال داشته‌اند. با توجه به اینکه بیشترین تعداد نمایندگان راه‌یافته به مجلس دهم از حوزه انتخابیه تهران نیز در گروه سنی ۵۰-۵۹ سال قرار دارند، انتظار می‌رود مد یا نما در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز در این گروه سنی باشد.

۵. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر جنسیت

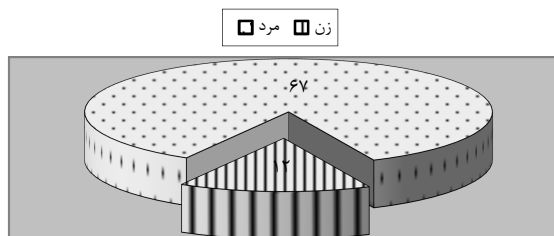
جدول شماره (۳). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب جنسیت به تفکیک دوره

گروه جنسی	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		جمع کل	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
زن	۱۶/۷	۳	۲۰	۳	۲۰	۳	۹/۷	۳	۱۵/۲	۱۲
مرد	۸۳/۳	۱۵	۸۰	۱۲	۸۰	۱۲	۹۰/۳	۲۸	۸۴/۸	۶۷
جمع کل	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۷۹

نمودار شماره (۴). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب جنسیت به تفکیک دوره



نمودار شماره (۵) توزیع کل اعضای چهار دوره شورای شهر تهران برحسب جنسیت



نابرابری جنسیتی در نهادهای سیاسی ایران، یکی از واضح‌ترین و مشخص‌ترین ویژگی‌ها است. در شورای شهر تهران نیز حضور کم‌رنگ زنان و نرخ پایین و آهسته تغییر (در هریک از دوره‌ها تنها ۳ زن حضور داشته‌اند) نیازمند توجه بیشتر به‌ویژه از سوی احزاب است.

با توجه به جدول شماره (۲) و نمودار مربوط به آن، نتایج زیر به‌دست آمده است:

الف- میزان حضور زنان در شورای شهر تهران در طول چهار دوره شورای برگزارشده، بسیار کم و ثابت بوده است؛ به‌گونه‌ای که در هر شورا (فارغ از تعداد ۱۵ یا ۳۱ عضو) فقط ۳ زن حضور داشته‌اند.

ب- بررسی‌ها نشان می‌دهد که حضور و مشارکت زنان در شوراهای برخی از شهرها که از کلان‌شهرها نیز به‌شمار نمی‌آیند، بسیار پررنگ‌تر از کلان‌شهری مانند تهران است. می‌توان این حضور پررنگ‌تر را به این واقعیت نسبت داد که فضای

انتخابات در شهرهای کوچک، کمتر رقابتی است و مردم در شهرهای کوچک به انتخابات شوراها با تمرکز بر «بهبود کیفیت زندگی» نگاه می‌کنند، درحالی‌که شهروندان تهرانی، بیشتر به شهرت کاندیداها توجه می‌کنند و از آنجاکه زنان به دلیل حضور نداشتن در سایر عرصه‌های سیاسی از شهرت کافی و به‌اندازه مردان برخوردار نیستند، تعداد زنان کمتری به شوراهای شهر تهران راه می‌یابند.

ج- میزان حضور زنان در شوراهای شهر تهران به نگاه احزاب به زنان نیز بستگی دارد. در چهار دوره شوراهای شهر، احزاب، نگاه مثبتی به حضور زنان نداشته‌اند و نخستین تغییرات در فرهنگ سیاسی احزاب در مورد حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، از انتخابات اسفند ۱۳۹۴ رخ داد. بررسی انتخابات دوره‌های گذشته شوراها نشان می‌دهد که احزاب، از همین تعداد زن در فهرست‌های انتخابات خود حمایت کرده بودند؛ از این رو، انتظار می‌رود در انتخابات اردیبهشت ۱۳۹۶ با حمایت بیشتر احزاب، شاهد حضور تعداد زنان بیشتری در پنجمین دوره شورای شهر تهران باشیم.

د- به نظر می‌رسد عوامل مختلفی در حضور کم‌رنگ زنان در شورای شهر تهران مؤثر باشند. برخی از این عوامل عبارتند از: الگوی مردانه سیاست، ساختار و سازمان‌دهی احزاب سیاسی، حضور نداشتن زنان در جایگاه‌های مناسب فهرست‌های انتخاباتی، عدم حمایت مالی، نگاه سنتی جامعه به نقش زن، عدم خودباوری، غفلت رسانه‌ها از ارائه امکانات رسانه‌ای برابر به زنان، عدم حضور و راهیابی زنان به مدیریت‌های کلان کشور و مسئولیت‌های چندگانه.

هـ- مطالعه گرایش‌های سیاسی زنان راه‌یافته به شوراهای شهر تهران، حکایت از این دارد که هر ۳ زن دوره نخست اصلاح‌طلب، هر ۳ زن دوره دوم اصول‌گرا، از ۳ زن دوره سوم، دو نفر اصول‌گرا و یک نفر اصلاح‌طلب و از ۳ زن دوره چهارم دو نفر اصلاح‌طلب و یک نفر اصول‌گرا بوده‌اند. روی هم رفته می‌توان گفت، احزاب، تعداد مساوی از بانوان را به شوراهای شهر تهران فرستاده‌اند.

درواقع، با وجود اینکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و در عرصه‌های مختلف پایه‌پا و همگام با مردان حضور داشته‌اند، اما بهره‌مناسبی از موقعیت‌ها و عرصه‌های موجود سیاسی نبرده‌اند. اجرای سهمیه‌بندی جنسیتی در

احزاب می‌تواند یک گام مثبت و روبه‌جلو در راستای افزایش تعداد زنان در شورای شهر تهران باشد.

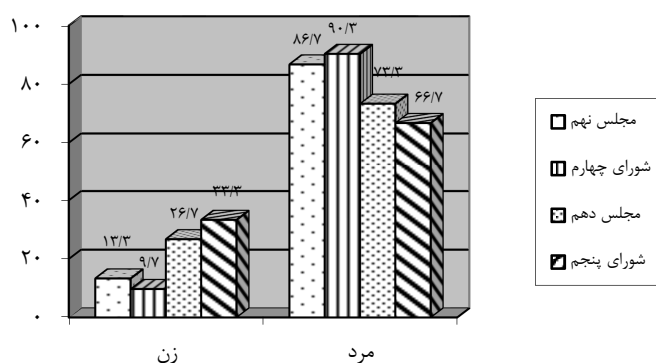
مقایسه توزیع جنسیتی اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و دستیابی به شباهت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۴). مقایسه نحوه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب جنسیت و پیش‌بینی توزیع جنسیتی اعضای پنجمین دوره

شورای شهر تهران

جنسیت	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورا		دهمین دوره مجلس		پیش‌بینی پنجمین دوره شورا	
	%	N	%	N	%	N	%	N
زن	۱۳/۳	۴	۹/۷	۳	۲۶/۷	۸	۵	۳۳۳/
مرد	۸۶/۷	۲۶	۹۰/۳	۲۸	۷۳/۳	۲۲	۱۰	۶۶۷/
جمع کل	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵

نمودار شماره (۶). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب جنسیت و پیش‌بینی توزیع جنسیتی اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران



داده‌های جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که مردم شهر تهران در هر دو انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و چهارمین دوره شورای شهر تهران، توجه حداکثری به مردان داشته‌اند. با توجه به اینکه بیشترین تعداد نمایندگان راه‌یافته به مجلس دهم از استان تهران نیز مرد هستند، انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات

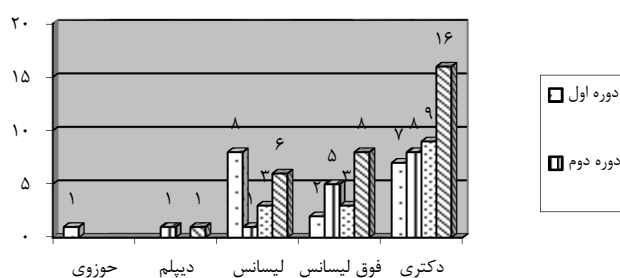
شورای شهر تهران نیز مردان، پیروز میدان باشند، هرچند به نظر می‌رسد، تعداد زنان در پنجمین دوره شورای شهر تهران تا حداکثر ۵ نفر قابل افزایش باشد.

۶. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر میزان تحصیلات

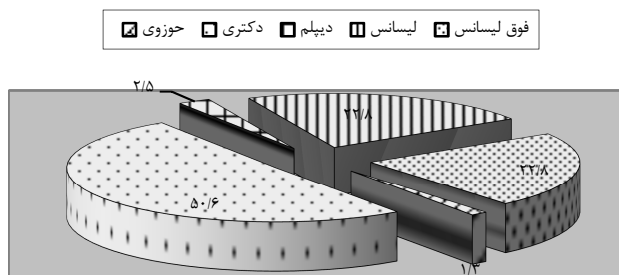
جدول شماره (۵). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب میزان تحصیلات به تفکیک دوره

میزان تحصیلات	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		جمع کل	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
حوزوی	۵/۶	۱	-	-	-	-	-	-	۱/۳	۱
دیپلم	-	-	۶/۷	۱	-	-	۳/۲	۱	۲/۵	۲
لیسانس	۴۴/۴	۸	۶/۷	۱	۲۰	۳	۱۹/۴	۶	۲۲/۸	۱۸
فوق لیسانس	۱۱/۱	۲	۳۳/۳	۵	۳	۳	۲۵/۸	۸	۲۲/۸	۱۸
دکتر	۳۸/۹	۷	۵۳/۳	۸	۹	۶۰	۱۶	۵۱/۶	۴۰	۵۰/۶
جمع کل	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۷۹

نمودار شماره (۷). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب میزان تحصیلات به تفکیک دوره



نمودار شماره (۸). توزیع کل اعضای چهار دوره شورای شهر تهران برحسب میزان تحصیلات



از داده‌های جدول توزیع میزان تحصیلات افراد راه‌یافته به شورای شهر تهران، نتایج زیر به‌دست می‌آید:

الف- در طول چهار دوره شورای شهر، بر تعداد افراد راه یافته به شورای شهر تهران با مدرک دکترا افزوده شده است؛ به گونه ای که ۵۰/۶ درصد از کل افراد راه یافته به شورای شهر تهران در طول چهار دوره (۴۰ نفر از ۷۹ نفر) دارای مدرک دکترا در رشته های مختلف بوده اند.

ب- از تعداد افراد لیسانس راه یافته به شورای شهر از دوره نخست به دوم، به شدت کاسته شده است، اما در طول دوره های سوم و چهارم، دوباره بر تعداد افراد دارای مدرک لیسانس که به شورای شهر تهران راه یافته اند، افزوده شده است.

ج- در دوره نخست، بیشترین تعداد افراد راه یافته به شورا از نظر میزان تحصیلات، دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده اند، اما از دوره دوم به بعد «نما» به افراد دارای مدرک تحصیلی دکترا تعلق داشته است و این حکایت از آن دارد که گرایش عمومی به مدرک دانشگاهی بالا، بیشتر است و مردم انتظار دارند متخصصان برای حل مشکلات و معضلات شهری، اقدامات قاطع و سیاست گذاری های درستی انجام دهند.

د- در کل چهار دوره شورای شهر تهران، ۲ نفر، روحانی به شورا راه یافته اند؛ آقای عبدالله نوری در دوره نخست و آقای عبدالمقیم ناصحی در دوره چهارم. آقای نوری از روحانیون سیاستمدار اصلاح طلب و آقای ناصحی، روحانی سیاستمدار اصول گرا است.

ه- در طول چهار دوره شورای شهر تهران به طور مرتب بر تعداد افراد دارای مدرک فوق لیسانس افزوده شده است؛ به گونه ای که از ۲ نفر در نخستین دوره به ۸ نفر در چهارمین دوره رسیده است.

و- در چهار دوره شورای شهر تهران، ۲ نفر با مدرک تحصیلی دیپلم حضور داشته اند؛ آقای محمود خسروی وفا، در دوره دوم و آقای حسین رضازاده، در دوره چهارم. نکته قابل توجه این است که هر دو نفر از جامعه ورزشی کشور به شورای شهر تهران راه یافته اند.

ز- بررسی پیشینه تحصیلی افراد راه یافته به شورای شهر تهران بیانگر این است که بخش عمده ای از این افراد (۵۰/۶ درصد) دارای درجه دکترای تخصصی در رشته های مختلف بوده اند.

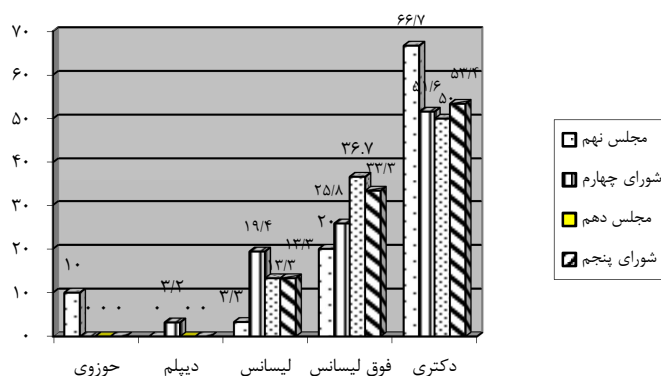
ح- در دوره نخست، تنها ۳۸/۹ درصد از افراد راه یافته به شورای شهر تهران دارای مدرک دکترا بوده اند. این نسبت به طور مرتب در انتخابات مختلف افزایش یافت؛ به گونه ای که مدرک ۵۰/۶ درصد از افراد راه یافته به چهارمین دوره شورای شهر تهران، دکترای تخصصی بود.

مقایسه توزیع اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از منظر میزان تحصیلات و دستیابی به شباهت ها می تواند نشان دهنده رفتار رأی دهی رأی دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۶). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب میزان تحصیلات و پیش بینی میزان تحصیلات اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران

میزان تحصیلات	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورای		دهمین دوره مجلس		پیش بینی پنجمین دوره شورا	
	%	N	%	N	%	N	%	N
حوزوی	۱۰	۳	-	-	-	-	-	-
دیپلم	-	-	۳/۲	۱	-	-	-	-
لیسانس	۳/۳	۱	۱۹/۴	۶	۱۳/۳	۲	۱۳/۳	۲
فوق لیسانس	۲۰	۶	۲۵/۸	۸	۳۶/۷	۱۱	۳۳/۳	۵
دکترا	۶۶/۷	۲۰	۵۱/۶	۱۶	۵۰	۱۵	۵۳/۴	۸
جمع کل	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵

نمودار شماره (۹). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب میزان تحصیلات و پیش بینی میزان تحصیلات اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران



داده‌های جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که مردم شهر تهران در هر دو انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و چهارمین دوره شورای شهر تهران، توجه حداکثری به افراد تحصیلکرده در مقطع دکترا نشان داده‌اند. با توجه به اینکه بیشترین تعداد نمایندگان راه‌یافته به مجلس دهم از حوزه انتخابیه تهران نیز دارای مدرک دکترا هستند، انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز رأی‌دهندگان به افراد دارای مدرک دکترا گرایش بیشتری نشان دهند.

۷. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر رشته تحصیلی

جدول شماره (۷). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب رشته تحصیلی به تفکیک دوره

رشته تحصیلی	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		جمع کل	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
پزشکی	-	-	۶/۷	۱	۲۰	۳	۱۳	۴	۱۰/۱	۸
عمران و مهندسی	۱۱/۱	۲	۵۳/۱	۸	۲۶/۶	۴	۱۳	۴	۲۲/۸	۱۸
علوم پایه	-	-	۶/۷	۱	۱۳/۳	۲	۳/۲	۱	۵/۱	۴
حقوق و علوم سیاسی	۳۳/۳	۶	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۱۶/۲	۵	۱۶/۴	۱۳
مدیریت و اقتصاد	۱۶/۸	۳	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۲۵/۸	۸	۱۶/۴	۱۳
فلسفه و فقه	۵/۵	۱	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۳/۲	۱	۵/۱	۴
روحانی	۵/۵	۱	-	-	-	-	۳/۲	۱	۲/۵	۲
برنامه‌ریزی	۵/۵	۱	-	-	-	-	-	-	۱/۳	۱
نفت و معدن	۱۶/۸	۳	-	-	-	-	-	-	۳/۸	۳
علوم اجتماعی	۵/۵	۱	۶/۷	۱	۱۳/۳	۲	۳/۲	۱	۶/۳	۵
تربیت بدنی	-	-	-	-	۶/۷	۱	۳/۲	۱	۲/۵	۲
علوم انسانی	-	-	-	-	-	-	۳/۲	۱	۱/۳	۱
علوم دفاعی	-	-	-	-	-	-	۳/۲	۱	۱/۳	۱
هنر	-	-	-	-	-	-	۳/۲	۱	۱/۳	۱
کشاورزی	-	-	-	-	-	-	۳/۲	۱	۱/۳	۱
بدون مدرک دانشگاهی	-	-	۶/۷	۱	-	-	۳/۲	۱	۲/۵	۲
جمع کل	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۷۹

شورای شهر به صاحب‌نظران و متخصصانی از رشته‌های گوناگون نیاز دارد تا بتوانند با ارائه طرح‌ها و راهکارهای مناسب، برای حل معضلات شهری اقدام کنند؛ ازاین‌رو، ارائه تصمیم‌های دقیق و کارشناسانه بر پایه تخصص، از اهمیت زیادی در این بستر برخوردار است. جدول شماره (۷) توزیع رشته‌های تحصیلی افراد راه‌یافته

به شورای شهر تهران را در طول چهار دوره نشان می‌دهد. از داده‌های این جدول، نتایج زیر به دست می‌آید:

الف- آنچه در نگاه نخست جلب توجه می‌کند، تعداد نسبتاً زیاد افراد دارای مدرک تحصیلی عمران و مهندسی است که نشان می‌دهد شهروندان تهرانی به مسئله عمران و آبادانی شهر تهران، نگاه ویژه‌ای دارند.

ب- به نظر می‌رسد در دوره چهارم، مردم تهران، به سبب ناتوانی مهندسان در حل معضلات شهری، به دانش‌آموختگان رشته‌های مدیریت و اقتصاد روی آورده‌اند تا شاید مشکلات شهر تهران با مدیریت درست و تزریق منابع مالی مناسب حل شود. به همین دلیل، تعداد افراد دارای مدرک تحصیلی مدیریت و اقتصاد از ۳ نفر در دوره نخست به ۸ نفر در دوره چهارم افزایش یافته است.

ج- تعداد افراد دارای مدرک حقوق و علوم سیاسی که در دوره نخست ۶ نفر بود، پس از دو دوره رکود، دوباره در دوره چهارم به ۵ نفر افزایش یافته است. حضور حقوق‌دان‌ها و سیاسیون در شورای شهر می‌تواند رعایت حقوق شهروندی را سرلوحه انجام کارهای مسئولان شهر تهران قرار دهد.

د- تعداد افراد دارای مدرک پزشکی نیز از دوره اول تا چهارم، روند افزایشی داشته است که این مسئله جای انتقاد دارد. حضور پزشکان در شورای شهر به جای بیمارستان‌ها و مطب‌ها برای جامعه زبان‌های بسیاری دربر دارد. از یک سو، مردم از خدمات تخصصی این پزشکان محروم می‌شوند و از سوی دیگر، حضور پزشکان در شورای شهر، راهیابی سایر متخصصانی را که برای شورا مناسب‌تر هستند، محدود می‌کند.

هـ- افراد دارای مدرک علوم اجتماعی در شورای شهر تهران، روند ثابتی را طی کرده‌اند، درحالی‌که مسائل، مشکلات، و آسیب‌های اجتماعی مردم نسبت به گذشته بیشتر و پیچیده‌تر شده است و لزوم حضور بیشتر متخصصان علوم اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

مقایسه توزیع اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از منظر رشته تحصیلی و دستیابی به شباهت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای

شهر تهران براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۸). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب رشته تحصیلی و پیش‌بینی رشته تحصیلی اعضای پنجمین دوره

شورای شهر تهران

رشته تحصیلی	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورا		دهمین دوره مجلس		پیش‌بینی پنجمین دوره شورا	
	%	N	%	N	%	N	%	N
پزشکی	۱۰	۳	۱۳	۴	۱۰	۳	۱۳/۳	۲
عمران و مهندسی	۱۳/۴	۴	۱۳	۴	۱۰	۳	۱۳/۳	۲
علوم پایه	۳/۳	۱	۳/۲	۱	۳/۳	۱	۶/۷	۱
حقوق و علوم سیاسی	۳/۳	۱	۱۶/۲	۵	۲۶/۶	۸	۲۰	۳
مدیریت و اقتصاد	۲۳/۴	۷	۲۵/۸	۸	۳۰	۹	۲۶/۶	۴
فلسفه، فقه و الهیات	۱۶/۷	۵	۳/۲	۱	۶/۷	۲	۶/۷	۱
روحانی			۳/۲	۱	-	-	-	-
برنامه‌ریزی	-	-	-	-	-	-	-	-
نفت و معدن	-	-	-	-	-	-	-	-
علوم اجتماعی	۳/۳	۱	۳/۲	۱	۶/۷	۲	۶/۷	۱
تربیت بدنی	-	-	۳/۲	۱	-	-	-	-
علوم انسانی	۶/۷	۲	۳/۲	۱	۶/۷	۲	۶/۷	۱
علوم دفاعی	۳/۳	۱	۳/۲	۱	-	-	-	-
هنر	۳/۳	۱	۳/۲	۱	-	-	-	-
کشاورزی	۳/۳	۱	۳/۲	۱	-	-	-	-
بدون مدرک دانشگاهی	۱۰	۳	۳/۲	۱	-	-	-	-
جمع کل	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵

جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که چهار اولویت مردم شهر تهران از منظر رشته تحصیلی در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی عبارت بوده‌اند از: ۱- مدیریت و اقتصاد؛ ۲- فلسفه، فقه و الهیات؛ ۳- عمران و مهندسی و ۴- پزشکی و در چهارمین دوره شورای شهر تهران، توجه حداکثری شهروندان تهرانی به: ۱- مدیریت اقتصاد؛ ۲- حقوق و علوم سیاسی؛ ۳- عمران و مهندسی و ۴- پزشکی بوده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، تفاوت دو انتخابات، فقط به مورد شماره (۲) محدود می‌شود که در انتخابات مجلس، رأی‌دهندگان، افراد دارای مدرک فلسفه، فقه و الهیات را انتخاب کرده‌اند، درحالی‌که در انتخابات شوراهای، رشته تحصیلی حقوق و علوم

سیاسی مورد توجه بوده است. با توجه به اینکه چهار اولویت نخست مردم استان تهران از منظر رشته تحصیلی در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز مانند چهارمین دوره شورای شهر تهران به ترتیب: ۱- مدیریت و اقتصاد؛ ۲- حقوق و علوم سیاسی؛ ۳- عمران و مهندسی و ۴- پزشکی بوده است، انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز رأی‌دهندگان به افراد دارای مدرک مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق، مهندسی، عمران، و پزشکی برای اداره شهر و حل معضلات شهری و شهروندی گرایش بیشتری نشان دهند.

۸. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر پیشینه شغلی

جدول شماره (۹). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب پیشینه شغلی به تفکیک دوره

پیشینه شغلی	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		جمع کل	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
نماینده مجلس	۲۷/۸	۵	۶/۷	۱	-	-	۲۲/۶	۷	۱۶/۴	۱۳
مقام عالی‌رتبه دولتی	۲۷/۸	۵	۶/۷	۱	۲۰	۳	۲۲/۶	۷	۲۰/۲	۱۶
هنرمند	۵/۵	۱	-	-	-	-	۳/۲	۱	۲/۵	۲
ورزشکار	۵/۵	۱	۲۶/۶	۴	۲۶/۶	۴	۱۹/۴	۶	۱۹	۱۵
پاسدار، نظامی، جانباز	۱۱/۱	۲	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۹/۸	۳	۸/۹	۷
روزنامه‌نگار	۱۶/۸	۳	-	-	-	-	۳/۲	۱	۵/۱	۴
دانشگاهی	۵/۵	۱	۳۳/۲	۵	۲۶/۶	۴	۳/۲	۱	۱۳/۹	۱۱
شهرداری	-	-	۶/۷	۱	-	-	۶/۴	۲	۳/۸	۳
آموزش و پرورش	-	-	۶/۷	۱	۱۳/۴	۲	-	-	۳/۸	۳
بهداشت و درمان	-	-	۶/۷	۱	۶/۷	۱	۶/۴	۲	۵/۱	۴
حوزه علمیه	-	-	-	-	-	-	۳/۲	۱	۱/۳	۱
جمع کل	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۱	۷۹	۱۰۰

در شورای شهر تهران، افراد با پیشینه شغلی و حرفه‌ای متفاوت و حتی گاهی بسیار متفاوتی حضور دارند که حضور برخی از آن‌ها در دو سر محور مختصات به‌اندازه‌ای بی‌اثر است که به از دست رفتن برخی جایگاه‌ها و ناکارایی تأثیرگذار شوراها به‌ویژه شورای شهر تهران انجامیده است. حضور وزیرانی که از جایگاه وزارت دور مانده‌اند، نمایندگان مجلسی که در رقابت‌های انتخاباتی جا مانده‌اند و یا ورزشکارانی که تنها دستاورد آن‌ها - که البته در جایگاه خود، دستاورد کمی هم

نیست، اما در رفع معضلات جامعه تهران نقشی ندارد. مدال‌های قهرمانی بازی‌ها و مسابقات مختلف ورزشی در سطوح ملی و بین‌المللی است، مشکلی را برای شهروندان تهرانی حل نکرده و نخواهد کرد.

با مطالعه جدول توزیع پیشینه شغلی افراد حاضر در شورای شهر تهران به نتایج زیر دست می‌یابیم:

الف- بیشتر نما مربوط به شغل‌های دولتی عالی‌رتبه است. در کل چهار دوره شوراها، ۱۶ نفر، از شغل‌های مختلف دولتی (مدیران رده‌بالای دولت) در شورای شهر تهران حضور یافته‌اند. تعداد بالای این افراد به این دلیل است که شغل‌های مختلف دولتی، همگی، در یک گروه گنجانده شده‌اند.

ب- درواقع، می‌توان گفت بیشترین نما مربوط به ورزشکاران است. در طول چهار دوره شوراها، ۱۵ نفر از حوزه ورزش، اعم از ورزشکاران ملی و بین‌المللی و رؤسای فدراسیون‌ها که برای مردم نام‌آشنا بوده‌اند، به شورای شهر تهران راه یافته‌اند. این افراد، اقدام مؤثری حتی برای ورزش همگانی شهروندان تهرانی انجام نداده‌اند.

ج- ۱۳ نفر از نمایندگان جامانده از مجلس در دوره‌های مختلف نیز به شورای شهر تهران راه یافته‌اند. این گروه نیز موفقیت خود را مدیون نام‌آشنای خود بوده‌اند.

د- دانشگاهیان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در دوره دوم و سوم شوراها نمود بارزی داشته‌اند، اما در چهارمین دوره شورای شهر تهران (۱ نفر) از موفقیت چندانی برخوردار نبوده‌اند.

هـ- روحانیون، در مجموع، در شورای شهر تهران موفق نبوده‌اند و نتوانسته‌اند به‌طور چشمگیری به شورای شهر تهران راه یابند.

و- هنرمندان، برخلاف ورزشکاران، نتوانسته‌اند در شورای شهر تهران موفقیت عمده‌ای کسب کنند.

مقایسه توزیع اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از منظر پیشینه شغلی و دستیابی به شباهت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۱۰). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب پیشینه شغلی و پیش‌بینی پیشینه شغلی اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران

پیشینه شغلی	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورا		دهمین دوره مجلس		پیش‌بینی پنجمین دوره شورا	
	%	N	%	N	%	N	%	N
وزیر	۱۳/۳	۴	-	-	-	-	۶/۷	۱
نماینده مجلس	۱۰	۳	۲۲/۶	۷	۳۰	۹	۲۶/۵	۴
مقام عالی‌رتبه دولتی	۲۰	۶	۲۲/۶	۷	۲۶/۷	۸	۲۰	۳
صداوسیما	۶/۷	۲	۳/۲	۱	-	-	-	-
ورزشکار	-	-	۱۹/۴	۶	-	-	۶/۷	۱
پاسدار، نظامی، جانباز	۶/۷	۲	۹/۸	۳	-	-	۶/۷	۱
روزنامه‌نگار و نویسنده	۱۰	۳	۳/۲	۱	-	-	۶/۷	۱
دانشگاهی	۲۶/۶	۸	۳/۲	۱	۲۳/۳	۷	۲۰	۳
شهرداری	-	-	۶/۴	۲	-	-	-	-
آموزش و پرورش	-	-	-	-	۶/۷	۲	-	-
بهداشت و درمان	۶/۷	۲	۶/۴	۲	۱۰	۳	۶/۷	۱
حوزه علمیه	-	-	۳/۲	۱	۳/۳	۱	-	-
جمع کل	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵

براساس داده‌های جدول شماره (۱۰)، سه اولویت مردم شهر تهران از منظر پیشینه شغلی در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی عبارت بوده‌اند از: ۱- دانشگاهیان؛ ۲- مقامات و مدیران عالی‌رتبه دولتی و ۳- وزیران پیشین و در چهارمین دوره شورای شهر تهران، توجه حداکثری شهروندان تهرانی به: ۱- نمایندگان پیشین مجلس؛ ۲- مقامات و مدیران عالی‌رتبه دولتی و ۳- ورزشکاران بوده است. به‌نظر می‌رسد در هر دو انتخابات، مردم در پی یافتن و رأی دادن به افرادی هستند که دارای شناختی از فردیت آن‌ها هستند و در طول زمان، یک طرح‌واره از آن‌ها و عملکردشان در ذهن خود ترسیم کرده‌اند و به آن طرح‌واره رأی داده‌اند؛ این به آن معنا است که مردم شهر تهران به پیروی از الگوی شناختی، اهمیت می‌دهند. با توجه به اینکه بیشترین تعداد نمایندگان راه‌یافته به مجلس دهم از استان تهران نیز به‌ترتیب دارای پیشینه شغلی ۱- نماینده مجلس؛ ۲- مقامات و مدیران عالی‌رتبه دولتی و ۳- دانشگاهیان هستند، انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز رأی‌دهندگان به افرادی که دارای پیشینه نمایندگی مجلس باشند و از راهیابی به مجلس دهم بازمانده باشند و مدیران عالی‌رتبه دولتی، گرایش بیشتری نشان دهند و براساس نتایج به‌دست‌آمده به‌نظر

می‌رسد ورزشکاران در پنجمین دوره شورای شهر تهران از شانس زیادی برخوردار نباشند. در مقابل، شهروندان تهرانی به احتمال قوی- برای حل معضلات شهری خود به جای ورزشکاران، به انتخاب دانشگاهیان و راهکارهای علمی، گرایش بیشتری خواهند داشت.

۹. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر پیشینه حضور در شوراها

جدول شماره (۱۱). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب پیشینه حضور در شوراها به تفکیک دوره

پیشینه حضور در شوراها	دوم	سوم	چهارم	جمع کل
تعداد	-	۷	۹	۱۶
درصد	-	۴۶/۷	۲۹	۲۰/۲

برخی افراد در دو یا چند دوره در شورای شهر تهران حضور داشته‌اند. با مطالعه جدول توزیع پیشینه حضور در شوراها به نتایج زیر دست می‌یابیم:

الف- از دوره اول شورای شهر تهران، هیچ‌کس به دوره دوم راه نیافته است. این موضوع شاید به دلیل اختلافات اعضای نخستین شورای شهر تهران باشد که درنهایت، به انحلال این شورا نیز انجامید.

ب- از میان افراد دوره اول شورای شهر تهران، تنها کسی که به حضور خود در شوراها ادامه داده است، آقای/احمد حکیمی‌پور است که پس از دو دوره غیبت، دوباره در چهارمین دوره شورای شهر تهران حضور داشته است.

ج- افرادی که دارای بیشترین پیشینه حضور در شورای شهر تهران هستند عبارتند از: آقایان مهدی چمران، عباس شیبانی و حبیب کاشانی که هر سه در سه دوره دوم، سوم و چهارم شورای شهر تهران حضور داشته‌اند. از بررسی و مطالعه شخصیت این افراد درمی‌یابیم که آن‌ها به همان نسل اول انقلاب تعلق دارند که از نام و شهرت اول انقلاب خود برای حضور در عرصه‌های مختلف استفاده می‌کنند.

د- از کل چهار دوره شورای شهر تهران، ۱۶ نفر از دوره قبل به دوره یا دوره‌های بعد راه یافته‌اند که نسبت محاسبه شده ۲۰/۲ درصد است.

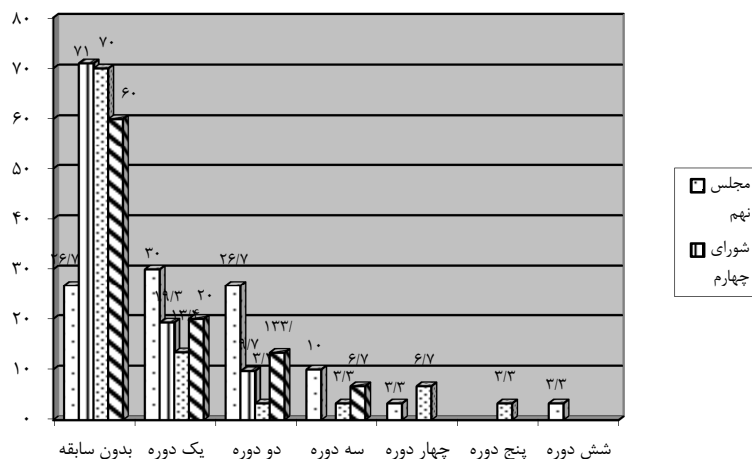
ه- در دوره سوم، ۷ نفر از ۱۵ نفر عضو شورای شهر تهران از اعضای دومین دوره شورای شهر بوده‌اند که ۴۶/۷ درصد اعضای سومین دوره شورای شهر تهران را تشکیل می‌دادند.

مقایسه توزیع اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از منظر پیشینه حضور و دستیابی به شباهت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران، براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۱۲). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب پیشینه حضور و پیش‌بینی سابقه حضور اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران

پیشینه حضور	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورا		دهمین دوره مجلس		پیش‌بینی پنجمین دوره شورا	
	%	N	%	N	%	N	%	N
بدون پیشینه	۸	۲۶/۷	۲۲	۷۱	۷۰	۲۱	۹	۶۰
یک دوره	۹	۳۰	۶	۱۹/۳	۴	۱۳/۴	۳	۲۰
دو دوره	۸	۲۶/۷	۳	۹/۷	۱	۳/۳	۲	۱۳/۳
سه دوره	۳	۱۰	-	-	۱	۳/۳	۱	۶/۷
چهار دوره	۱	۳/۳	-	-	۲	۶/۷	-	-
پنج دوره	-	-	-	-	۱	۳/۳	-	-
شش دوره	۱	۳/۳	-	-	-	-	-	-
جمع کل	۳۰	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵	۱۰۰

نمودار شماره (۱۰). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب پیشینه حضور و پیش‌بینی سابقه حضور اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران



براساس داده‌های جدول شماره (۱۲)، مردم تهران در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۲۲/۶ درصد به افرادی رأی داده‌اند که بدون پیشینه و برای

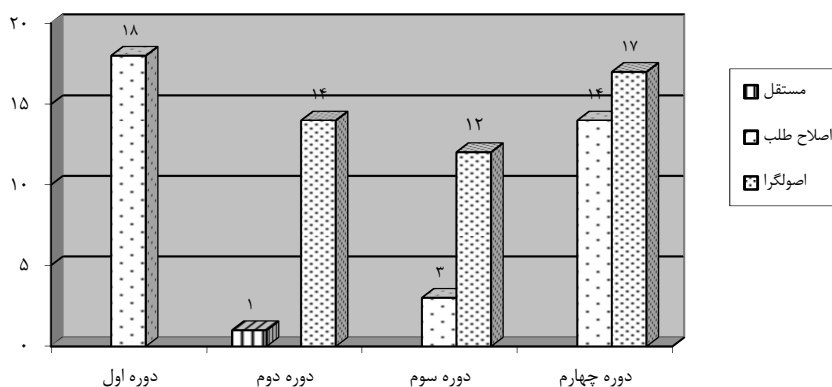
نخستین بار برای ورود به مجلس انتخاب شده‌اند. این رقم در انتخابات چهارمین دوره شورای شهر تهران که تقریباً دو سال پس از انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی برگزار شد، به ۷۱ درصد رسیده است. با توجه به اینکه بیشترین تعداد نمایندگان راه یافته به مجلس دهم از حوزه انتخابیه تهران (۲۱ نفر) نیز بدون پیشینه حضور در مجلس به دهمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند - که نشان‌دهنده تمایل مردم تهران به گردش نخبگی است - انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز رأی‌دهندگان به افراد بدون پیشینه برای حضور در شورای شهر گرایش بیشتری نشان دهند.

۱۰. توزیع اعضای شورای شهر تهران از منظر گرایش سیاسی

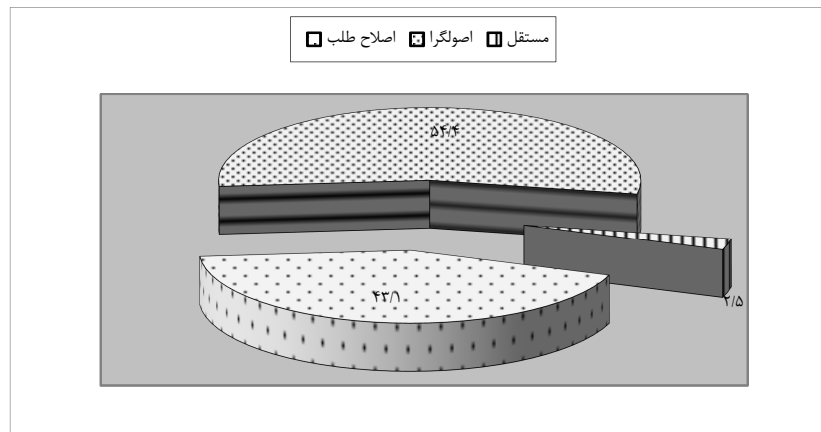
جدول شماره (۱۳). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب گرایش سیاسی به تفکیک دوره

گرایش سیاسی	دوره اول		دوره دوم		دوره سوم		دوره چهارم		جمع کل	
	%	N	%	N	%	N	%	N	%	N
اصلاح طلب	۱۰۰	۱۸	-	-	۲۰	۳	۴۵/۲	۱۴	۴۳/۱	۳۴
اصول گرا	-	-	۶۳/۹/۳	۱۴	۸۰	۱۲	۵۴/۸	۱۷	۵۴/۴	۴۳
مستقل	-	-	۷	۱	-	-	-	-	۲/۵	۲
جمع کل	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۷۹

نمودار شماره (۱۱). توزیع اعضای شورای شهر تهران برحسب گرایش سیاسی به تفکیک دوره



نمودار شماره (۱۲). توزیع کل اعضای چهار دوره شورای شهر تهران برحسب گرایش سیاسی



هرچند هیچ یک از گروه‌های سیاسی فعال در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به تعریف، وظایف، اهداف و مأموریت‌های تبیین‌شده برای احزاب در عرصه بین‌المللی نمی‌توان به‌عنوان یک حزب پذیرفت، اما براساس یک تعریف حداقلی می‌توان گفت در ایران، حدود ۲۴۰ حزب، به ثبت رسیده است. از ۲۴۰ حزب به‌ثبت‌رسیده، تعداد بسیار اندکی فعال هستند. احزاب فعال ایران از منظر ایدئولوژی در یک محور مختصات از اصول‌گرایی به اصلاح‌طلبی با درجه‌های متفاوت قرار دارند؛ در نتیجه، می‌توان افراد سیاسی با وابستگی‌های حزبی در ایران را در دو گروه یا جبهه اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی قرار داد. با مطالعه جدول توزیع اعضای شورای شهر تهران براساس گرایش سیاسی به نتایج زیر دست می‌یابیم:

الف- در نخستین دوره شورای شهر تهران که در فضای سیاسی برآمده از دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی برگزار شد، اصلاح‌طلبان و کارگزاران تمام شورا را در دست داشتند، اما اختلافات میان آن‌ها بر سر انتخاب شهردار که در نهایت، به انحلال این شورا انجامید، مردم شهر تهران را از اصلاح‌طلبان ناامید کرد؛ در نتیجه، در دومین، سومین، و چهارمین دوره شورای شهر تهران، اکثریت با اصول‌گرایان بود.

ب- در دومین دوره، از میان ۱۵ عضو راه‌یافته به شوراها، ۱۴ نفر اصول‌گرا بودند و در سومین دوره، ۱۲ نفر (از ۱۵ نفر) اصول‌گرا به شورای شهر تهران راه یافته‌اند؛ در نتیجه، شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ هم‌زمان با

ریاست جمهوری محمود/حمیدی‌نژاد، رئیس‌جمهور اصول‌گرا، توسط اصول‌گراها اداره می‌شد.

ج- به نظر می‌رسد از سومین دوره و هم‌زمان با شروع ریاست‌جمهوری حسن روحانی، گرایش مردمی به اصلاح‌طلبان بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که ۳ نفر اصلاح‌طلب راه‌یافته به شورای شهر تهران در دوره سوم، به ۱۴ نفر (از ۳۱ نفر) در چهارمین دوره شورای شهر تهران افزایش یافته است.

د- در مجموع، اصول‌گرایان با ۵۴/۴ درصد و ۴۳ نفری که به شورای شهر تهران در طول چهار دوره فرستاده‌اند، در اداره این شورا و شهر تهران و همچنین انتخاب شهردار تهران، نسبت به اصلاح‌طلبان از نفوذ، قدرت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده‌اند.

ه- نکته قابل‌توجه این است که افراد مستقل، در راهیابی به شورای شهر تهران در این چهار دوره، موفقیتی به‌دست نیاورده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که تهران و شهروندان تهرانی به موضوع شورای شهر، نگرشی سیاسی دارند و جنبه اجتماعی آن برای آن‌ها اهمیتی ندارد.

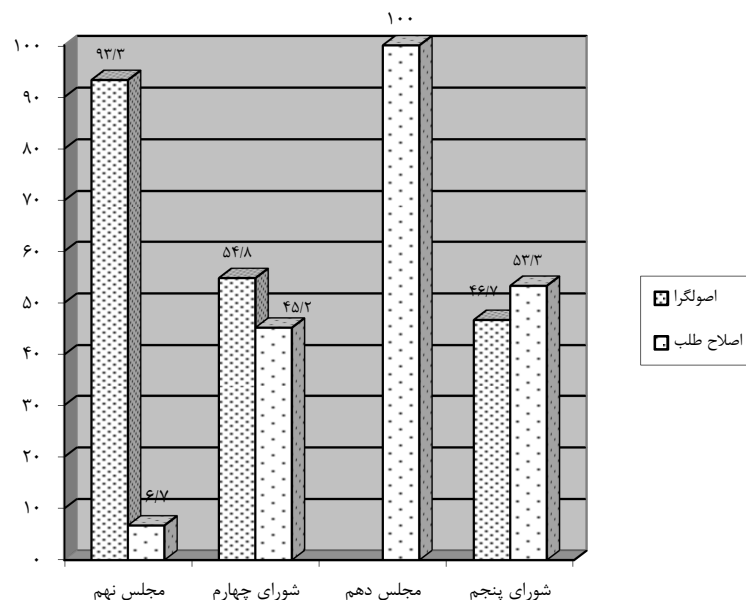
مقایسه توزیع اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران و نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی از منظر گرایش سیاسی و دستیابی به شباهت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رفتار رأی‌دهی رأی‌دهندگان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران براساس نتایج دهمین دوره مجلس شورای اسلامی باشد.

جدول شماره (۱۴). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره

شورای شهر تهران برحسب گرایش سیاسی و پیش‌بینی گرایش سیاسی اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران

گرایش سیاسی	نهمین دوره مجلس		چهارمین دوره شورا		دهمین دوره مجلس		پیش‌بینی پنجمین دوره شورا	
	%	N	%	N	%	N	%	N
اصلاح‌طلب	۶/۷	۱۴	۴۵/۲	۳۰	۱۰۰	۸	۵۳/۳	۵۳/۳
اصول‌گرا	۹۳/۳	۱۷	۵۴/۸	۳۰	-	۷	۴۶/۷	۴۶/۷
جمع کل	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۰۰

نمودار شماره (۱۳). مقایسه توزیع نمایندگان نهمین و دهمین دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران برحسب گرایش سیاسی و پیش‌بینی گرایش سیاسی اعضای پنجمین دوره شورای شهر تهران



براساس داده‌های جدول شماره (۱۴)، مردم استان تهران در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، نمایندگانی را انتخاب کرده‌اند که ۹۳/۳ درصد آن‌ها، اصول‌گرا (با ترکیب جبهه متحد اصول‌گرایان: ۴۰ درصد؛ جبهه پایداری: ۳۰ درصد و مشترک: ۲۳/۳ درصد) بوده‌اند. در مجموع، مجلس نهم، مجلسی اصول‌گرا بود. در انتخابات چهارمین دوره شورای شهر تهران که تقریباً دو سال پس از انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی برگزار شد، با وجود اینکه باز هم اکثریت با اصول‌گرایان (۵۴/۸ درصد) (با ترکیب آبادگران: ۲۲/۶ درصد؛ پیشرفت و عدالت: ۶/۵ درصد؛ ائتلاف شهر امید: ۳/۲ درصد؛ خدمتگزاران: ۱۶/۱ درصد؛ فراگیر آبادگران: ۳/۲ درصد و زاگرس‌یان: ۳/۲ درصد) بود، اما میزان حضور اصلاح‌طلبان در شورای چهارم نیز روند صعودی (۴۵/۲ درصد) داشته است. این روند فزاینده حضور اصلاح‌طلبان، با دیدگاه توجیه‌های ایدئولوژیک قابل تبیین است. با توجه به اینکه بیشترین تعداد نمایندگان راه‌یافته به مجلس دهم از استان تهران نیز دارای گرایش اصلاح‌طلبی (هرچند برخی از افراد راه‌یافته به مجلس دهم در استان تهران

پس از ورود، همراه اصلاح‌طلبان باقی‌نماندند و مسیر اصول‌گرایی را در پیش گرفتند) هستند، انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز رأی‌دهندگان به افراد اصلاح‌طلب، گرایش بیشتری نشان دهند.

نتیجه‌گیری

این مقاله با طرح این پرسش آغاز شد که آیا ترکیب نمایندگان پارلمان ملی ایران (مجلس شورای اسلامی ایران) با اعضای پارلمان‌های شهری حاضر در شوراهای اسلامی شهر و روستا تفاوت دارد؟ به عبارت دیگر و در گستره‌ای محدودتر، آیا مهارت‌ها، ویژگی‌ها، و گرایش‌های سیاسی نمایندگان حوزه انتخابیه تهران در مجلس شورای اسلامی با اعضای شورای شهر تهران متفاوت است؟ آیا ترکیب‌بندی آن‌ها کم‌وبیش با ترکیب‌بندی اعضای شورای شهر تهران دارد؟ با بررسی و مطالعه اعضای چهار دوره شورای شهر تهران به یک تغییر نگرش سیاسی در مردم شهر تهران پی بردیم که دیباچه‌ای برای طرح و برانگیختن پرسش‌های بعدی بود: «آیا این چرخش، محصول تمایز و تغییر تدریجی و آگاهانه فرهنگ سیاسی شهروندان تهرانی در طول زمان است یا برایندی از یک حرکت جمعی، ناگهانی، کوتاه‌مدت، و ناخودآگاه به‌شمار می‌آید؟»

این مقاله برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، به تجزیه و تحلیل زندگی‌نامه ۷۹ عضو شورای شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۷۸-۱۳۹۶ و نمایندگان حوزه انتخابیه تهران در دو دوره (نهمین و دهمین دوره) مجلس شورای اسلامی پرداخته است و ترکیب این دو مجلس ملی و شهری را براساس توزیع سنی، جنسیت، میزان تحصیلات، مدرک تحصیلی و... تا گرایش سیاسی، مطالعه و تجزیه و تحلیل کرده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از جنبه‌ها و ابعاد، تفاوت‌های ناچیزی میان این دو مجلس ملی و شهری وجود دارد. رفتار رأی‌دهی شهروندان تهرانی، رفتاری ناگهانی، کوتاه‌مدت، ناخودآگاه و بدون وابستگی به رفتارها و کنش‌های آن‌ها در انتخابات پیشین نیست، بلکه بررسی‌ها حاکی از یک تغییر یا چرخش تدریجی در نگرش و فرهنگ سیاسی مردم تهران براساس آگاهی سیاسی، محاسبه هزینه-فایده

منافع، تجربه‌های گذشته و شناخت و برداشتی است که رأی‌دهندگان از افراد دارند و براساس آن‌ها، رفتار انتخاباتی خود را شکل می‌دهند.

مقایسه این دو پارلمان از منظر جنسیت و سن نشان داد که اکثریت افراد حاضر در هر دو پارلمان، مرد و میانسال بوده‌اند. مردم شهر تهران در انتخابات نهمین و دهمین دوره مجلس و چهارمین دوره شورای شهر تهران توجه حداکثری به گروه سنی ۵۰-۵۹ سال نشان داده‌اند و انتظار می‌رود این گروه سنی دوباره در انتخابات پنجمین دوره شورای شهر تهران، در اولویت انتخاب قرار گیرد.

در تمام دوره‌های انتخاباتی که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون برگزار شده است، همواره مردان در اولویت انتخاب شهروندان ایرانی بوده‌اند؛ هرچند انتظار می‌رود تعداد زنان در پنجمین دوره شورای شهر تهران تا حداکثر ۵ نفر افزایش یابد، اما کماکان مردان، پیروز میدان انتخابات شوراهای خواهند بود. تعداد زنان راه‌یافته به شورای شهر، در دوران اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، ثابت (۳ نفر) بود، اگرچه این نسبت به‌لحاظ درصد، روند کاهشی داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که در طول این چهار دوره، اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان برای افزایش تعداد زنان در شورای شهر تهران برنامه‌ای نداشته‌اند و اقدامی نکرده‌اند؛ هرچند با توجه به انتخابات اسفند ۱۳۹۴ به‌نظر می‌رسد این احزاب برای ورود زنان به عرصه شوراهای در انتخابات اردیبهشت ۱۳۹۶ برنامه‌ریزی داشته باشند.

بررسی میزان تحصیلات، بیانگر تفاوت‌هایی میان اعضای شورای شهر و مجلس شورای اسلامی بود. تعداد نمایندگان تهران در مجلس شورای اسلامی که دارای مدرک دکترا (۶۶/۷ درصد) بوده‌اند، بیشتر از تعداد اعضای شورای شهر تهران با مدرک دکترا (۵۱/۶ درصد) بود، اما به‌نظر می‌رسد همچنان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز مردم، گرایش بیشتری به انتخاب افراد تحصیل‌کرده در مقطع دکترا خواهند داشت.

از منظر رشته تحصیلی با وجود اختلاف ناچیزی که میان نهمین دوره مجلس و چهارمین دوره شورای شهر تهران دیده می‌شود، شواهد، حکایت از این دارد که روند نگرش مردم شهر تهران از ثبات نسبتاً بالایی برخوردار است و پیش‌بینی می‌شود نهمین روند گرایش به رشته‌های مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، حقوق،

مهندسی عمران و پزشکی در انتخابات پنجمین دوره شورای شهر تهران ادامه یابد. از نظر پیشینه شغلی، نمایندگان پیشین مجلس و ورزشکاران، به شورای شهر توجه بیشتری داشته‌اند، درحالی‌که وزیران پیشین و دانشگاهیان و اعضای هیئت علمی به سمت مجلس گرایش دارند. این نتیجه نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی میان مهارت‌ها و ویژگی‌های نمایندگان مجلس و اعضای شورای شهر وجود دارد. به هر حال، به نظر می‌رسد در پنجمین دوره شورای شهر تهران، گرایش زیادی به انتخاب ورزشکاران وجود نداشته باشد و به جای آن، به سمت دانشگاهیان، تمایل بیشتری دیده شود.

گردش نخبگی، فرایند و جریانی است که مردم شهر تهران به تدریج و با وجود مقاومت نخبگان حاضر در عرصه سیاست، با انتخاب افراد بدون پیشینه قبلی حضور، شکل داده‌اند. از این نظر، تفاوت بسیاری میان نمایندگان مردم تهران در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و اعضای چهارمین دوره شورای شهر تهران وجود دارد. در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، تنها ۸ نفر بدون پیشینه نمایندگی به مجلس راه یافته بودند، درحالی‌که در چهارمین دوره شورای شهر تهران، ۲۲ نفر بدون پیشینه و برای نخستین بار برای شورا برگزیده شده بودند؛ این نخستین گام مردم تهران برای گردش نخبگی بود. این روند نمایندگی برای نخستین بار، در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در اسفند ۱۳۹۴ برگزار شد نیز قابل مشاهده بود و انتظار می‌رود در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر تهران نیز افراد بدون پیشینه نمایندگی، مورد توجه بیشتر مردم شهر تهران قرار گیرند.

مسیر حرکت مردم تهران از منظر گرایش سیاسی، به خوبی با بازبینی نقش‌آفرینی آن‌ها در انتخابات مجلس و شورا قابل تشخیص است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، با وجود اینکه در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و چهارمین دوره شورای شهر تهران، برتری و اکثریت با اصول‌گرایان بوده است، اما روند تغییر گرایش‌های سیاسی در طول چهار دوره شورای شهر تهران، حکایت از این دارد که اصلاح‌طلبان پس از شکست در دوره اول و دو دوره رکود، در انتخابات چهارمین دوره شورای شهر که در خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد، رونق نسبی‌ای در شورای شهر

تهران به دست آوردند و پیروزی ۱۰۰ درصدی آنها در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران، نشان‌دهنده تغییر تدریجی فرهنگ و گرایش نگرش سیاسی مردم تهران به سمت اصلاح‌طلبان است که احتمال برتری نسبی آنها در پنجمین دوره شورای شهر تهران را تقویت می‌کند.*

منابع

- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲)، *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران: سفیر.
- آندرانوچ، گرگوری؛ ریپوسا، گری (۱۳۸۰)، *روش‌های پژوهش شهری*، ترجمه سیدمحمود نجاتی حسینی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- ترنر، جانان. اچ. (۱۳۷۸)، *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، تهران: مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره).
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی انتخاباتی و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست‌وسوم، شماره ۲.
- _____ (۱۳۸۸)، «بنیان‌های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۷).
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین مظفریان، تهران: خرمی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران: علم.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵)، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل*، تهران: نشر قومس.
- Arrow, Kenneth J. (1951; 2nd ed., 1963), *Social Choice and Individual Values*, New Haven: Yale University Press.
- Brett, J. (1998), "Representing the Unrepresented: One Nation and the Formation of the Labor Party", in Manne, R. et al, *Two Nations the Causes and Effects of the Rise of the One Nation Party in Australia*, Bookman, Melbourne.
- Colomer, Josep M. (ed.) (2004), *Handbook of Electoral System Choice*, London and New York: Palgrave-Macmillan.

- Dalton, Russel J. (1996), *Citizen Politics: Public Opinion and Political Parties in Advanced Industrial Democracies*, Chatham, NJ: Chatham House.
- Downs, A. (1957), *An Economic Theory of Democracy*, New York: Harper & Row.
- Dowse, Robert E. and Hughs, John.A. (1975), *Political Sociology*, London.
- Elder, Neil; Alastair, H. Thomas and Arter, David. (1988), *The Consensual Democracies? The Government and Politics of the Scandinavian States*, UK: BlackWell.
- Fletcher, D. and Whip, R. (2000), "One Nation and the Failure of Political Leadership", in: M. Leach, G. Stokes and I. Ward (eds). *The Rise and Fall of One Nation*, University of Queensland Press, St Lucia.
- Goot, M. (1998), "Hanson's Heartland: Who's For One Nation and Why?", in: Manne, R. et al, *Two Nations, the Causes and Effects of the Rise of the One Nation Party in Australia*, Bookman, Melbourne.
- Gurr, Ted Robert. and Desmond, S. King. (1987), *The State and the City*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hernes, G. and Selvik, A. (1983), *Local Corporatism*, in *Organizing Interests in Western Europe*, edited by Suzanne Berger. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jaensch, D. (1987), *Getting Our Houses in Order*, Penguin: Ringwood.
- Keating, Michael (1991), *Comparative Urban Politics: Power and the City in the United States, Canada: Britain and France*. UK, Edward Elgar.
- Kennedy, F. and Niesche C. (1998), "First Points on the Board, Kick to Come", *The Australian*, June 15, p. 8.
- Kroger, M. (1993), "The Liberal Party the Long and Winding Road", *Sydney Papers*, Vol. 5, No. 4.
- Logan, John. R. and Harvey. L. Molotch. (1987), *Urban Fortunes*, Berkeley: Univ. of California Press.
- Marshall, Gordon. (1998), *A Dictionary of Sociology*, Oxford University Press.
- McAllister, I. (1992), *Political Behaviour, Citizens, Parties and Elites in Australia*, Longman Cheshire, Melbourne.
- McLean, Iain and McMillan, Alistair. (2003). *The Concise Oxford Dictionary of Politics*, Oxford University Press.
- Mollenkopf, John. Hall. (1983). *The Contested City*, Princeton: N.J., Princeton Univ. Press.
- Neylan, M. and Tucker, D. (1996), "Women in Local Government", in B. Sullivan and G. Whitehouse (eds), *Gender Politics and Citizenship in the 1990s*, Sydney:

UNSW Press.

Norris, P. (1997), "Introduction and Conclusion", in P. Norris (ed.) *Passages to Power, Legislative Recruitment in Advanced Democracies*, Cambridge: Cambridge University Press.

Osborne, David. and Gaebler, Ted. (1993), *Reinventing Government: How the Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector*, MA, Addison-Wesley.

Pagano, Michael. A. and Bowman, Ann O'M. (1997), *Cityscapes and Capital: The Politics of Urban Development*, Baltimore, MD, Johns Hopkins Univ. Press.

Phillips, A. (2001), "Representation Renewed", in: M. Sawyer & G. Zappala (eds), *Speaking for the People Representation in Australian Politics*, Carlton South: Melbourne University Press.

Pierre, Jon. (1999), "Models of Urban Governance: The Institutional Dimension of Urban Politics", *Urban Affairs Review*, Vol 4, Issue 3.

Pollitt, C. (1991), *Managerialism and the Public Services: The Anglo-American Experience*, Oxford, UK: Basil Blackwell.

Reynolds, H. (1998), "Hanson and Queensland's Political Culture", in Manne, R. et al, *Two Nations the Causes and Effects of the Rise of the One Nation Party in Australia*, Bookman, Melbourne.

Reynolds, P. (1994), "The Changing Composition of the Queensland State Parliament, 1929-1992: Some Preliminary Observations and Conclusions", *Legislative Studies*, Vol 8, No. 2, pp. 78-89.

Sawyer, M. and Simms, M. (1993), *A Woman's Place*, (2nd edn), Allen & Unwin, Sydney.

Sawyer, M. and Zappala, G. (2001), "Conclusion: Representation – Problems and Prospects", in: M. Sawyer and G. Zappala (eds), *Speaking for the People Representation in Australian Politics*, Carlton South: Melbourne University Press.

Schacter, Daniel, D. L. (1989), *Foundations of Cognitive Science*, Cambridge: MIT Press.

Smith, R. (2001), *Australian Political Culture*, Longman: Frenchs Forrest.

Stinebricker, B. (1984), "Career Mobility of State Lower House Parliamentarians in Australia", *Politics*, Vol. 19, No. 2.

Stone, Clarence. N. and Heywood. T. Sanders. (eds.), (1987), *The Politics of Urban Development*, Lawrence: University Press of Kansas.

Wickham-Jones, Mark. (2006), "Signaling Credibility: Electoral Strategy and New Labour in Britain", *Political Science Quarterly*, Vol. 120, No. 4.

Zappala, G. (2001), "The Political Representation of Ethnic Minorities: Moving

Beyond the Mirror", in M. Sawer and G. Zappala (eds), *Speaking for the People Representation in Australian Politics*, Melbourne University Press: Carlton South.

Zetlin, D. (1996), "We're Here Because We're Here: Women and the ALP Quota", in: B. Sullivan and G. Whitehouse (eds), *Gender Politics and Citizenship in the 1990s*, UNSW Press: Sydney.